

ادبیات

نشست‌های تخصصی حوزه هنری برای حفظ و پاسداشت زبان فارسی

از بازخوانی بیهقی و حافظ تا حکمت و حکایت بازارشکر فروشان

فاطمه شریفی

در روزگاری که واژه‌های بیگانه با سرعت به گفتار و نوشتار ما نفوذ می‌کنند و شتاب زندگی مدرن، فرصت تأمل در زیبایی‌های زبان مادری را می‌گیرد، پاسداشت فارسی بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری، با برگزاری نشست‌های تخصصی تلاش می‌کند این گنجینه را برای نسل امروز زنده و قابل دسترس کند. این برنامه‌ها نه تنها فرصتی برای آشنایی با متون کهنند، بلکه راهی برای درک عمیق‌تر هویت فرهنگی و تقویت پیوند با ریشه‌ها.

■ ■ ■

زبان، پایه هر آفرینش فرهنگی است و انقلاب اسلامی که بر ارزش‌های بومی و دینی استوار است، نمی‌تواند از زبانی که قرآن و ادبیات عرفانی را در خود جای داده است، غافل بماند. اهمیت به فارسی، وظیفه‌ای است که از دل تعهد به فرهنگ ملی برمی‌خیزد. در این میان، بازگشت به متون کهن – از بیهقی تا حافظ – نه تنها واژگان و ساختارهای غنی را احیا می‌کند، بلکه حس تعلق و غرور زبانی را در میان گویشوران تقویت می‌نماید. این‌متون با لایه‌های معنایی‌شان زبان را از سطحی شدن نجات می‌دهند و آن را به ابزاری برای اندیشه و پرداختن به آنها، یعنی بازخوانی است؛ متون کهن، گذشته را به حال پیوند می‌زند و فارسی را در برابر چالش‌های جهانی استوار نگه می‌دارد.

موسیقی

یکی از راه‌های مؤثر برای پاسداشت، جذب و پرداختن به متون کهن فارسی است؛ این متون، همچون گنجینه‌ای از جواهرات، نه تنها واژگان غنی و ساختارهای زبانی را عرضه می‌کنند، بلکه لایه‌های عمیق معنایی را نیز آشکار می‌سازند. جذب به این متون، یعنی دعوت از مخاطب برای غوطه‌ور شدن در دنیایی که سده‌ی، حافظ و بیهقی آن را با داستان خود بافته‌اند؛ دنیایی که هر واژه‌اش پلی به هویت جمعی ماست. پرداختن به آنها، یعنی تفسیر و بازخوانی که این متون را از خاک و غبار زمان رها می‌کند و به زندگی روزمره می‌افزاید. چگونه این کار به غنا و حفظ جایگاه زبان فارسی کمک می‌کند؟ نخست، غنا؛ متون کهن، هزاران واژه متروک را احیا می‌کنند، واژه‌هایی که در گفتار معاصر، جای خالی‌شان حس می‌شود. برای مثال، نثر بیهقی با سادگی و دقتش، می‌تواند الگویی برای نثر امروز باشد و از هجوم کلمات انگلیسی بکاهد. دوم، حفظ جایگاه؛ در میان گویشوران فارسی که بیش از ۱۱۰ میلیون نفرند، این متون حس تعلق را تقویت می‌کنند. وقتی جوانی غزلی از حافظ را با عمق می‌خواند، نه تنها لذت می‌برد، بلکه می‌فهمد چر ا فارسی، زبانی است که شکسپیر را به حسادت واداشته. این بازخوانی، هویت را در برابر جهانی‌سازی حفظ می‌کند و زبان را به ابزاری برای اندیشه و خلاقیت تبدیل می‌نماید. در نهایت، این فرآیند چراغ‌های است؛ متون کهن، الهام‌بخش آفرینش‌های نو می‌شوند و زبان را پویا نگه می‌دارند.

دفتر پاسداشت زبان فارسی با

برنامه‌های متنوعش،

این چرخه را به زیبایی می‌چرخاند. یکی از برجسته‌ترین این برنامه‌ها، سلسله نشست‌های «بیهقی‌خوانی» است که با تدریس زهیر توکلی برگزار می‌شود. توکلی، پژوهشگری که سال‌ها بر نثر تاریخی غور کرده، با اتکا به نسخه علی‌اکبر فیاض، زبان ابوالفضل بیهقی را موشکافی می‌کند. بیهقی، مورخ قرن پنجم با نثری که نه فاخر است و نه ساده‌انگار، رویدادهای غزوتیان را با صداقت روایت می‌کند. در جلسات اخیر شرکت‌کنندگان نه تنها با واژگان کهن آشنا می‌شوند، بلکه می‌بینند چگونه بیهقی با خاطره‌گویی تاریخ را زنده می‌کند. این نشست‌ها، فراتر از درس دعوتی است به تأمل بر منش فروتنانه بیهقی در برابر بزرگان زمانه و نشان می‌دهد چگونه نثر فارسی می‌تواند ابزار قدرتمندی برای روایت حقیقت باشد. شرکت در این جلسات، برای نویسندگان و علاقه‌مندان به تاریخ همچون سفری به عمق هویت ملی است.

موازی با این، «حافظ‌خوانی» با تدریس دکتر قدمعلی سرامی جریان دارد. سرامی، حافظ‌شناس برجسته‌ای که دهه‌ها بر دیوان حافظ زحمت کشیده، غزل‌ها را لایه‌به‌لایه می‌شکافد. در جلسات اخیر، از غزل نخست دیوان تا مفاهمی چون رندی و عشق بررسی شده است. حافظ که به واژه «ندی» معنای مثبت بخشیده، عشق را راهنمای انسان می‌داند؛ نه عشقی سطحی، بلکه پلی به سوی معرفت. سرامی با خوانش بیت‌به‌بیت، مخاطب را به رموز اندیشه حافظ می‌برد و نشان می‌دهد چگونه این غزلیات، در ظاهر عاشقانه، نقدی بر جامعه است. این برنامه، بیش از هر چیز، لذت زبان را آموزش

می‌دهد؛ چگونه هر کلمه، همچون نگینی در بیت می‌درخشد و گویشوران را به غرور وا می‌دارد. در حوزه حکمت و حکایت، نشست‌های «بررسی حکمت و حکایت فارسی» با علیرضا قزوه، شاعر و پژوهشگر معاصر فرصتی است برای کاوش در نثر عرفانی. قزوه که خود در شعر معاصر ریشه در کلاسیک‌ها دارد، به تذکره‌الاولیا عطار نیشابوری می‌پردازد. نثر روان عطار، با حکایاتی که شرح حال اولیا را روایت می‌کند، پلی است میان حکمت و داستان. قزوه تأکید می‌کند که این حکایات، نه تنها سرگرم‌کننده‌اند، بلکه درس‌هایی برای زندگی امروز دارند؛ از تواضع تا مبارزه با نفس. این جلسات که گاه به پیشنهادهایی چون نامگذاری «سبک ششم شعر فارسی» می‌انجامند،

۶۶

اهمیت به فارسی، وظیفه‌ای است که از دل تعهد به فرهنگ ملی برمی‌خیزد. در این میان، بازگشت به متون کهن – از بیهقی تا حافظ – نه تنها واژگان و ساختارهای غنی را احیا می‌کند، بلکه حس تعلق و غرور زبانی را در میان گویشوران تقویت می‌نماید



«سلام»، نجوای دل میان زمین و آسمان است

اجتماعی‌ایرانیان در دهه‌های پس از جنگ همخوان است؛ تصویر مادران و همسران شهیدا که هنوز چشم انتظار بازگشتند. این دوگانگی معنا، راژ ماندگاری چنین ترانه‌هایی در حافظه جمعی ماست؛ اثری که می‌تواند برای یک دلشکسته زمینی هم تسلی باشد و برای دل‌های دردمند از فراق شهیدا نیز مرثیه‌ای آرام و نجیب.

از منظر زیبایی‌شناسی موسیقی متعهد، «سلام» ادامه همان مسیر است که اصفهانی از سال‌های ابتدایی با قطعاتی چون «قدسیان آسمان»، «سپیده‌دم»، «فصل وصل» و «گل‌واژه» آغاز کرده بوده؛ آثاری که در آنها تلفیق معنویت و فرم موسیقایی مدرن، به زبان عمومی‌تری برای بیان ایمان بدل شد. در «سلام»، این زبان پخته‌تر و ساده‌تر شده است؛ کمتر شعار، کمتر آرایه و بیشتر حس ناب. همین سادگی باعث می‌شود که قطعه در مرز میان ترانه پاپ و سرود آیینی بایستد؛ بی‌آنکه به هیچ‌کدام کاملاً تعلق داشته باشد.

یکی از نقاط قوت اثر، ترکیب هوشمندانه ملودی با واژه‌هاست. در مصرع «کی می‌رسی بگی سلام، دردم نموم شه» کشش ملودی دقیقاً هم‌زمان با بار عاطفی واژه‌ها پیش می‌رود و حس درون‌مایه را از گفتار به آواز منتقل می‌کند. در اینجا خواننده نقش راوی ندارد، بلکه شمایل نیایش‌گر را به خود می‌گیرد؛ کسی که هم مخاطب را به یاد خود می‌خواند و هم از طلب آرامش می‌کند.

از نظر سازبندی، حضور ملایم سازهای زهی و هورن‌های آرام در پس‌زمینه، همراه با پیانوی تکرارشونده در آواز، فضای پراحساسی و خاموشی را پدید می‌آورد. این ترکیب، حس درونی را به گوش مخاطب می‌رساند و فضای عمیق و تأمل‌برانگیزی را به وجود می‌آورد. «سلام» سلامی است از دل خاک به آسمان، از لب‌های زمینی که هنوز به شوق شنیدن پاسخی از آن سقوی غیبت می‌لرزد. قطعه‌ای که در امتداد تاریخ موسیقی متفکر و مؤمن ایران می‌ایستد. در مرز شعر و دعا در جایی میان زمین و آسمان.



منده دلم.» این همنشینی شعر و موسیقی تصادفی نیست؛ آهنگساز به‌درستی از فضاهای ملق و کش‌دار در هارمونی استفاده کرده تا حس انتظار را تقویت کند. ریتم در سراسر اثر سه‌چهارم کند و نوسان دار است که به قطعه حالت نیایش و زم‌زمه‌ای عاشقانه می‌دهد. در خوانش محمد اصفهانی، آن ویژگی دیرین او، یعنی کنترل شده بودن احساس در اوج دیده می‌شود. صدای او در این قطعه نه به خشوش می‌افتد و نه در حس‌گرایی فرو می‌غلتد، بلکه در آستانه یک بغض بزرگ باقی می‌ماند؛ بغضی که درست در لحظه گفتن واژه «سلام» رها می‌شود. اصفهانی با وسعت صوتی خاص خود، واژه را به‌صورت صعودی اجرا می‌کند؛ گویی خود سلام نجوایی است که از زمین برخاسته و به آسمان می‌رسد.

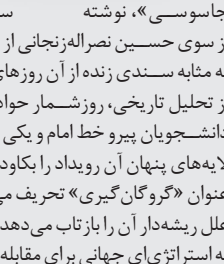
من ترانه نیز از این نظر جالب است که در ظاهر

یادداشت

«روز خدا» روایتی از انقلاب دوم میان تاریخ و خاطره

فاطمه شریفی

در پاییز پرتلاطم ۱۳۵۸، هنگامی که انقلاب اسلامی ایران هنوز زخم‌های تازه‌ای از پیروزی بر تن داشت، تسخیر سفارت آمریکا – که بعدها به «لانه جاسوسی» شهرت یافت – همچون ضربه‌ای قاطع بر پیکر استکبار جهانی فرود آمد. این رویداد که امام‌خمینی (ره) آن را «انقلاب دوم» نامید، نه تنها نمادی از استقلال‌طلبی ملت ایران شد، بلکه نقطه عطفی در تقویم سیاسی خاورمیانه به شمار می‌رود. کتاب «روز خدا: بررسی علل و خاطرات نخستین روزهای تسخیر لانه



جاسوسی»، نوشته از سوی حسین نصرالله‌زنجانی از انتشارات سوره مهر (۱۳۹۰، ۳۳۵ صفحه)، به مثابه سندی زنده از آن روزهای پرهیجان عمل می‌کند. این اثر با ترکیبی از تحلیل تاریخی، روزشمار حوادث و خاطرات شخصی نویسنده که خود از دانشجویان پیرو خط امام و یکی از عوامل اصلی تسخیر بود، تلاش می‌کند لایه‌های پنهان آن رویداد را بکاود. در دنیایی که روایت‌های غربی تسخیر را به عنوان «گروگان‌گیری» تحریف می‌کنند، این کتاب همچون آیینی‌اش شفاف، علل ریشه‌دار آن را بازتاب می‌دهد و نشان می‌دهد چگونه یک اقدام دانشجویی به استراتژی‌ای جهانی برای مقابله با سلطه بدل شد.

پوریزدان‌پرست، پژوهشگر و فعال سیاسی که سال‌ها در عرصه تاریخ شفاهی انقلاب زحمت کشیده، با قلم روایی‌اش خواننده را به عمق بحران‌های نیمه اول ۱۳۵۸ می‌برد. کتاب با بررسی زمینه‌های تسخیر آغاز می‌شود، جایی که انقلاب اسلامی پس از سرنگونی رژیم پهلوی، با هجوم عوامل خارجی و داخلی روبه‌رو بود. یکی از کلیدی‌ترین علل، دعوت آمریکا از محمدرضا شاه به بهانه درمان بود که اسناد افشاشده سفارت – مانند نامه سایروس ونس، وزیر خارجه وقت آمریکا در صفحه ۱۲۰ کتاب – نشان می‌دهد این دعوت نه انسانی، بلکه سیاسی و برای حفظ نفوذ واشینگتن در ایران طراحی شده بود. این اقدام، نمادی از خیانت تاریخی آمریکا به ایران تلقی شد؛ کشوری که دهه‌ها تحت سلطه سیا و کمپانی‌های نفتی به مثابه ژاندارم خلیج‌فارس عمل کرده بود. پوریزدان‌پرست با استناد به اسناد آرشیوی، استدلال می‌کند که تسخیر، پاسخی ایدئولوژیک به این دخالت‌ها بود: «انقلاب اسلامی، با مبنای توحیدی‌اش نمی‌توانست در برابر نماد استکبار سکوت کند». تحلیل او فراتر از رویداد به توطئه‌های گسترده‌ای چون تحریک قومیت‌ها در کردستان و گنبد، انحصارات کارگری، ترور آیت‌الله مطهری و مقدمات کودتا اشاره دارد. این علل نه تصادفی، بلکه بخشی از استراتژی غرب برای تضعیف نظام نوپا بوده؛ دانشجویانی که تسخیر لانه آن را خنثی کرد.

کتاب را می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم کرد: زمینه‌سازی، روزشمار تسخیر و بازتاب‌های آن. بخش نخست با نگاهی تحلیلی به تحولات بهاری ۱۳۵۸، نشان می‌دهد چگونه دولت موقت مهندس بازرگان با سیاست‌های سازش‌کارانه‌اش از همراهی با خط امام (ره) بازماند. سابعه واگذاری هواپیماهای اف-۱۴ به آمریکا، تهاجم به کردستان و عدم واکنش قاطع به شورش‌های مرزی، فضایی از ناامیدی ایجاد کرده بود. پوریزدان‌پرست با زبانی مستند این را «لحظه آزمون انقلاب» می‌نامد؛ جایی که دانشجویان، به عنوان پیش‌قراولان دست به اقدامی زدند که شورای انقلاب را هم غافلگیر کرد. ۱۳ آبان ۱۳۵۸، هم‌زمان با سالگرد تبعید امام و شهادت دانش‌آموزان در کوی دانشگاه، تظاهرات مردمی به تسخیر سفارت انجمنید. نویسنده با جزئیاتی زنده توصیف می‌کند چگونه گروهی حدود ۲۰۰ نفری دانشجویان بدون سلاح، دیوارهای سفارت را فتح کردند و کارکنان آمریکایی را به گروگان گرفتند. این بخش بیش از هر چیز تحلیلی به پویایی انقلابی است: تسخیر نه خشونت‌آمیز، بلکه نمادین بود، با هدف افشای اسناد جاسوسی.

بخش روزشمار، قلب تپنده کتاب است. از روز اول (۱۳ آبان) تا بیست‌وچهارمین روز هر صفحه همچون فیلمی مستند، لحظات را بازسازی می‌کند. خاطرات شخصی پوریزدان‌پرست که خود در گرینش اسناد و مدیریت گروگان‌ها نقش داشت، عمق احساسی به روایت می‌بخشد. او از هیجان اولیه سخن می‌گوید: «در آن لحظه احساس می‌کردیم دست خدا بر سر ماست، روز خدا بود». تحلیل او بر نقش ایدئولوژی تأکید دارد؛ دانشجویانی که با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» پیش می‌رفتند، تحت تأثیر تعلیم امام‌خمینی (ره) که بعدها فرمود: «این کار، کار من است»، عمل می‌کردند. اما کتاب فراتر از ستایش، چالش‌ها را نیز بررسی می‌کند: اختلافات داخلی میان دانشجویان، فشارهای دولت موقت، برای آزادی گروگان‌ها و واکنش‌های بین‌المللی. پوریزدان‌پرست با نگاهی فنانده، نشان می‌دهد چگونه تسخیر، بهانه‌ای برای تحریم‌های آمریکا شد، اما هم‌زمان، انقلاب را تثبیت کرد. افشای اسناد که بیش از ۵۰ هزار صفحه بودند، توطئه‌هایی چون حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و برنامه‌ریزی برای کودتا را برملا کرد. این اسناد، نه تنها شواهدی تاریخی، بلکه ابزاری برای بیداری افکار عمومی بودند؛ همانطور که نویسنده تحلیل می‌کند، «افشاگری‌ها، استکبار را از ماسک حقوق بشری‌اش برهنه کرد».

از منظر تحلیلی، کتاب «روز خدا» اهمیت چندلایه‌ای دارد. نخست، به عنوان سندی از تاریخ شفاهی؛ در دورانی که خاطرات شفاهی رو به زوال است، روایت دست اول پوریزدان‌پرست، اعتبار بالایی دارد. او که سال‌ها پژوهشگر مرکز اسناد انقلاب اسلامی بوده، با پاروئی‌های دقیق مطالب را مستندسازی کرده است. دوم، تحلیل علل تسخیر، ریشه در میانی انقلاب دارد: استقلال از سلطه خارجی که امام (ره) آن را «تهاجم به استکبار جهانی» می‌دانست. کتاب نشان می‌دهد چگونه تسخیر بخشی از گام بلند امام بود؛ بیداری مسلمانان، گسترش انقلاب و قطع وابستگی. این تحلیل، فراتر از ۱۳ آبان به درس‌هایی برای امروز می‌رسد؛ در جهانی که تحریم‌ها ادامه دارند، تسخیر نمادی از مقاومت است. سوم، خاطرات نخستین روزها جنبه انسانی رویداد را برجسته می‌کند. نویسنده از ترس اولیه گروگان‌ها، همبستگی دانشجویان و حتی لحظات طنزآمیز (مانند کشف اتاق‌های مخفی سفارت) سخن می‌گوید. این خاطرات، تسخیر را از یک رویداد سیاسی به تجربه‌ای جمعی بدل می‌کنند؛ تجربه‌ای که حس غرور ملی را در میان نسل جوان امروز احیا می‌کند.

با این حال، کتاب خالی از کاستی نیست. تمرکز بیش از حد بر روایت درونی، گاهی تحلیل‌های ژئوپلیتیک گسترده‌تر را کم‌رنگ می‌کند، مثلاً نقش شوروی یا کشورهای عربی در واکنش به تسخیر. همچنین دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده، ممکن است برای خوانندگان بی‌طرف جانبدارانه به نظر برسد. اما این کاستی‌ها، در برابر ارزش مستند کتاب ناچیزند. «روز خدا»، بیش از یک خاطر‌نگاری، تحلیلی است بر پویایی قدرت؛ چگونه یک ملت، با ایمان و شجاعت، نماد سلطه را واژگون کرد. در سالگرد دهای ۱۳ آبان این کتاب یادآوری می‌کند که انقلاب، فرآیندی مداوم است؛ از لانه جاسوسی تا چالش‌های سایبری امروز.

در نهایت، «روز خدا» نه تنها روایتی از گذشته، بلکه دعوتی به تأمل بر آینده است. پوریزدان‌پرست، با قلم گرمش نشان می‌دهد که تسخیر لانه، نقطه آغاز «مدرود انقلاب» بود؛ انقلابی که مرزها را درنوردید و الهام‌بخش جنبش‌های اسلامی شد. در جهانی پر از روایت‌های تحریف‌شده، این کتاب همچون فریاد استقلال لطین می‌اندازد: «ما تسلیم نمی‌شویم». خواندن آن نه تنها سفری به ۱۳ آبان ۵۸، بلکه بیداری‌ای در برابر استکبار معاصر است.